

او مورخ فرهنگ است

رضا داوری

اردکانی

فیلسوف

و اندیشمند

سلامی به دوست و همکار عزیز آقای دکتر رسول جعفریان.

می‌گویند و نادرست هم نمی‌گویند که تاریخ گزارش حوادث گذشته است. اما

همه حوادث گذشته تاریخی نیستند و مورخ آنها را گزارش نمی‌کند. چه حوادثی تاریخی‌اند؟ حوادث تاریخی، هرچند که به‌موقع و مقام و امکان‌های زمان بستگی دارند، با دخالت آدمیان پدید می‌آیند و به این جهت ضروری و فقهی نیز نیستند. از این قول نباید نتیجه گرفت که آدمیان تاریخ را هر طور که بخواهند می‌سازند. آدمی موجودی تاریخی است و تاریخ، تاریخ آدمی است و تنها آدمیان تاریخ دارند. آدمی امروز و دیروز و فردا دارد و برای فردا زندگی می‌کند. اما فردای او بدون نسبت با امروز و دیروز نیست. مورخان با گزارش حوادث دیروز قصد نقشن ندارند. آنان ناظران زمان و تاریخند و با توجه و تذکر نسبت به اکنون و آینده حوادث مهم و اهم و بی‌اهمیت بودن را تشخیص می‌دهند و گزارش می‌کنند. تاریخ

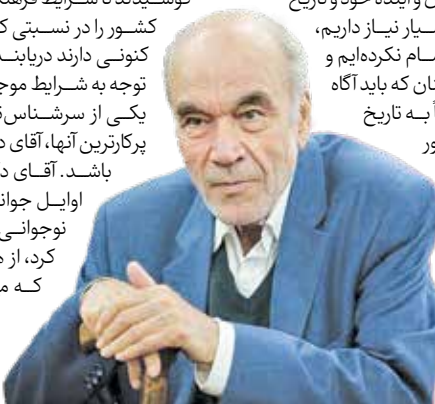
جدید با تاریخ قدیم تفاوت دارد. تاریخ قدیم، تاریخ دخالت و مشارکت مردمان در ساختن جهان و تصرف طبیعت برای بهتر زیستن و بیشتر برخوردار شدن نبوده است. حوادث مهم تاریخی جهان قدیم با جنگ برای غلبه و حفظ قدرت صورت می‌گرفت. انسان قدیم، سودای غلبه بر طبیعت و موجودات نداشت و به اندازه‌ای که از طبیعت و جهان بهره می‌برد، راضی بود. غلبه در زمان قدیم، غلبه برآدمیان و اعمال قدرت بر جهان انسانی بود. مورخان هم حوادث جنگ‌ها و گزارش شکست‌ها و پیروزی‌ها را می‌نوشتند و البته بیشتر به وضع و حال پیروز و کارهای آن می‌پرداختند و این طبیعی بود، زیرا شکست خورده از میدان خارج شده بود. نکته مهم این است که چرا آدمیان تاریخ می‌نویسند؟ چنان که گفته شد، هیچ موجودی جزانسان تاریخ ندارد. تنها انسان موجودی تاریخی است و به آینده می‌اندیشد. اگر بخواهیم به یکی از این سه زمان گذشته، حال و آینده تقدیم بدهیم، به نظر می‌رسد که پروای آینده داشتن مقدم باشد. باین پرواست که آدمی به وضع اکنون و گذشته توجه می‌کند. مردمی که [صرفاً] در اکنون

سکونت می‌کنند، بی‌آینده‌اند. اکنون که رویش به سوی آینده است نبیتی هم با گذشته دارد. آدمیان راهی در تاریخ پیموده‌اند تا به اکنون و امروز رسیده‌اند. اکنون را بدون آشنایی با آن راه نمی‌توان شناخت. به عبارت دیگر آینده و اکنون و گذشته به هم بسته‌اند و موجودی که پروای آینده دارد، نمی‌تواند به اکنون و گذشته بی‌تضر باشد. مردمان هم برای امروز و فردای خود باید از گذشته باخبر باشند. این خبر را مورخان می‌آورند. می‌بینیم که تاریخ، درک و دانشی است که آدمی همواره به آن نیاز داشته است. البته تاریخ به عنوان پژوهش علمی به زمان‌های اخیر تعلق دارد. در زمان باستان و حتی در یونان که مورخان مثل توسیدید و هرودوت و گزنفون پدید آمدند، شاعران هم راویان صوتی از تاریخ بودند. تاریخ‌نویسی جدید که بنای آن در قرن هفدهم و هجدهم گذاشته شده است، نظر صریح به آینده دارد و حوادث گذشته را با تصویری که از اکنون و آینده دارد، می‌سنجد. این جهت مورخان نمی‌توانند از زمان خود و اندیشه غالب بر آن غافل بمانند. مورخ برای این که گذشته را بشناسد باید اکنون و امروز و



دکتر جعفریان، مورخی است که سیاست و قدرت سیاسی را متعلق اصلی تاریخ نمی‌داند، بلکه سیاست را در نسبت با خرد و فرهنگ و دانش زمان تفسیر می‌کند

مسائل آن را درک کند. مورخی که با اکنون و آینده کاری ندارد و صرفاً در جست‌وجوی اسناد و اطلاعات و روایت‌های صحیح و معتبر است، مواد و اطلاعات خوبی فراهم می‌آورد، اما تاریخی که در آن درس تذکر باشد نمی‌نویسد. او در حقیقت مورخ نیست و اگر تاریخ بنویسد، مجموعه‌ای از اطلاعات را فراهم آورده است. این اشاره‌ها را در مجال دیگر باید تفصیل داد. متأسفانه، اینجا مجال آن نیست که به وضع تاریخ‌نویسی در کشور بپردازم و ناگزیر به این اشاره اکتفا می‌کنم که ما مخصوصاً به تأمل در وضع گذشته، اکنون و آینده خود و تاریخ نویسی که به آن بسیار نیاز داریم، چنان که باید اهتمام نکرده‌ایم و از این نیازمندی چنان که باید آگاه نیستیم. مخصوصاً به تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر کشور که راه آن به اکنون رسیده است کمتر پرداخته‌ایم. از ۲۰۰ سال



گردآوری اسناد، مدارک و اطلاعات نیست و مورخ باید اهل تأمل در اوضاع و حوادث باشد. من خوشحالم که بعضی آثار این همکار گرانمایه را خوانده و از آنها بهره‌ها برده‌ام. گاهی احساس می‌کنم که دکتر جعفریان در گزارش خود از حوادث تاریخی، آنها را به آزمایش دریافته است. گویی او خود شاهد حوادث تاریخی بوده و آنها را با آزمایش جان دریافته است. فضیلت مورخ ما این است که حوادث سیاسی و فرهنگی و علمی را در ارتباط با یکدیگر می‌بیند. به خصوص سیاست را از شرایط خاص تاریخی و فرهنگی جدا نمی‌انگارد. در همه آثار او که البته بیشتر در باب اسلام و تشیع و تاریخ معاصر است توجه خاصی به ارتباط و نسبت میان خرد، دانش و فرهنگ و سیاست شده است. مختصر بگویم، دکتر جعفریان، مورخی است که سیاست و قدرت سیاسی را متعلق اصلی تاریخ نمی‌داند، بلکه سیاست را در نسبت با خرد و فرهنگ و دانش زمان تفسیر می‌کند و به این جهت است که وقتی کتاب تاریخ او را می‌خوانیم احساس می‌کنیم او مورخ فرهنگ است. برای ایشان طول عمر و دوام توفیقات مسألت دارم.

گفت‌وگو

مریم شهبازی

روزنامه‌نگار

سطحی ملی و بین‌المللی برآمده است. جعفریان با تأکید بر اهمیت دیجیتال سازی منابع، در تلاش است تا آثار ارزشمند کتابخانه، از نسخ خطی گرفته تا پایان‌نامه‌های قدیمی را به گنجینه‌های دیجیتال تبدیل کند و دسترسی همگان را به این منابع فراهم سازد. او همچنین با دعوت از کتابخانه‌ها برای حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی، به دنبال ایجاد ارتباطی پویاتر با مخاطبان و جامعه علمی است. استفاده از هوش مصنوعی برای بهبود جست‌وجو و خدمات کتابخانه‌ای نیز از دیگر برنامه‌های او به شمار می‌رود. در راستای ایجاد یک نظام یکپارچه کتابخانه‌ای در ایران، جعفریان می‌کوشد با همکاری سایر نهادها، سامانه‌ای کارآمد و یکپارچه برای تسهیل دسترسی به منابع علمی ایجاد کند؛ تغییراتی که نه تنها دسترسی به اطلاعات را گسترده‌تر و سهل‌تر می‌سازد، بلکه زمینه‌ساز تحولی بنیادین در مدیریت علمی و کتابداری کشور خواهد بود. جعفریان در حالی برای مرتبه‌ای دیگر سکандاری کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را به عهده گرفته که درصدد تبدیل کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به قطب علمی و پژوهشی کشور است. در گفت‌وگوی پیش رو با این استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر تاریخ، نگاهی به برنامه‌های پیش رو در دوره تازه مدیریتی‌اش در این کتابخانه ۷۵ ساله در دانشگاه تهران داریم. همچنین در یادداشت‌هایی از چهره‌های پیشکسوت عرصه‌های مختلف کتاب، نگاهی به چند دهه فعالیت فرهنگی این‌مورخ و متولی فرهنگی داشتیم.

به کتاب ادامه یافت و هنوز هم در وجودم هست. بیشتر کتاب‌ها و نوشته‌هایم داخل این کتابخانه‌ها نوشته شده است. روزی که جناب دکتر حسینی، سرپرست کنونی دانشگاه تهران از بنده خواستند در مجموعه ایشان همکاری کنم، به رغم آن که پیشنهادهای دیگری هم مطرح بود، عرض کردم اگر کاری برای دانشگاه از دستم برآید، همین کتابخانه است. بله، واقعاً تکرار آن دوره سخت بود، آن هم در محیطی که امکانات مالی آن همیشه محدود بوده است. از سوی دیگر احساس کردم کارهای ناتمامی در کتابخانه دارم که باید تمام کنم. برخی از کارها به صلاحدید مدیران قبلی تعطیل شده بود و باید ادامه می‌دادم. اکنون بر آنم که محیط کتابخانه مرکزی جای مناسبی برای استفاده همه کسانی باشد که به محتوا و داشته‌ها و سرمایه آن و نیز فضایش نیاز دارند. امیدوارم این بار روی صحبت اولیه‌ای که با آقای دکتر حسینی کردیم، حمایت بیشتری صورت گیرد. نشانه‌هایی هم هست که امیدواریم محقق شود.

ایران بحث کار با کارهای نیمه‌تمامی درمیان بوده است؟

مهم‌ترین مسأله کتابخانه دیجیتال مرکزی است؛ ما در آغاز راه بودیم که متأسفانه به مشکل خورد. البته مشکل اصلی مسائل حقوقی است که عبور از لایه‌لای سطور سخت‌گیری‌ها، کار دشواری است و باید کمی باجسارت و البته دقت عبور کرد. متأسفانه متن بسیاری از پایان‌نامه‌های قدیمی همچنان قابل دسترسی نیست. همین‌طور تصاویر بسیاری از نسخ خطی همین مشکل را دارد. بیش از همه چاپ‌های سنگی ما که اصلاً

ایران آقای دکتر جعفریان این دومین مرتبه‌ای است که ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را پذیرفته‌اید؛ در دوره نخست بدون همراهی مالی و بودجه، قبول مسئولیت کردید و بخش زیادی از کار را به اعتبار شخصی خودتان و با همراهی اساتید همکار و دوست پیش بردید. طبیعتاً در شرایط فعلی اقتصادی هم با مسائل مالی متعددی روبه‌رو خواهید شد. با این تقاسیر چطور شد که دوباره این مسئولیت را بپذیرفتید؟

همیشه گفته‌ام، منهای درس تاریخ و معلمی آن، یک کتابدار بوده و هستم. البته روز اولی که به فکر کتابخانه تاریخ افتادم، بیش از همه برای کمک به اهل تاریخ و طبیعاً خودم بود. یعنی وقتی کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران را در سال ۷۴ بنیاد گذاشتم و این با حمایت مستقیم جناب آقای شهروستانی بود، در واقع یک آرزوی مهم خودم را محقق کردم. از همان زمان، حس کتابداری در بنده به وجود آمد، اینکه در مقام یک کتابدار به دیگران خدمت کنم. پیش از آن، از اولین روز شروع به مطالعه و تحقیق، بهترین کتابخانه‌های شخصی و عمومی در اختیار بود و من حس خوبی از این بابت داشتم. کتابخانه شخصی مرحوم جعفر مرتضی، کتابخانه مؤسسه در راه حق و بعد هم کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی، آن وقت، در کتابخانه مرعشی سراغ خطی‌ها هم رفتم که دنیای تازه‌ای به روی من باز شد. سال‌ها بعد، متوجه اهمیت کتابخانه مسجد اعظم شدم و همواره آرزوی می‌کردم مراد آن رها کنند و برونزد. در سال ۸۷ به کتابخانه مجلس رفتم. آنجا دریای کتاب بود و من به آسانی می‌توانستم خدمت کنم. این عشق

کتابشناسی بزرگ زمانه ما

فضل‌الله بن ابی‌خیر همدانی

ملقب به رشیدالدین فضل‌الله

در وقفنامه ربع رشیدی و در ذیل شروط نگهداری و حفاظت از خزانه کتب این بنا چنین می‌نویسد:

«شرط چنان است که این کتابخانه‌ها را یک خازن و یک مناول باشد، هر یک عاقل و کافی و متورخ و نویسنده و صاحب معرفت کتب». نگاه بزرگان این سرزمین از دیرباز به خازنی کتابخانه‌ها اینچنین بوده و کتابداری شغل

مجید

جلیلیه

نویسنده

و پژوهشگر



برآتم که محیط کتابخانه مرکزی جای مناسبی برای استفاده همه کسانی باشد که به محتوا و داشته‌ها و سرمایه آن و نیز فضایش نیاز دارند

مشکل حقوقی ندارد، اسکن نشده و چیزی از آنها در دسترس نیست. در بخش اسناد، ما گرچه در آن دوره پنج جلد فهرست اسناد را منتشر کردیم، همچنان برخی از اسناد فهرست نشده و مهم‌تر اینکه اکثر آنها اسکن نشده و روی وب قرار نگرفته است. اینها کارهایی است که سال‌ها قبل باید انجام می‌دادیم. بخشی انجام شده و بخشی هم مانده است. عجلاناً ما باید همه سرمایه‌های قابل دسترس عمومی را روی آذرسا و آرین قرار دهیم و در این سمت و سو فعال هستیم. می‌ماند قدم‌های تازه در زمینه جست‌وجو در متن پایان‌نامه‌ها، همچنین استفاده از هوش مصنوعی در داده‌های کتابشناسانه و محتوا و البته قدم‌هایی که باید در جهت تقویت محتوای کتابخانه برداریم. تمام این دهه‌ها، کتاب‌های موجود در بازار به درستی خریداری نشده است. باید کتاب‌های کهنه را رند کرد و سپس خرید یا به صورت اهدا دریافت کرد. هنوز نسخه‌های خطی فراوانی در کتابخانه‌های قدیمی هست که با باید خرید یا اهدا گرفت. بخشی از آنها توسط مجموعه‌دارها خریداری می‌شود که البته باز از دست عموم پنهان می‌ماند. بخشی از کتابخانه‌های ملی یا مرعشی یا دیگران خریداری می‌کنند که متأسفانه آنها هم زیاد در ارائه کوشا نیستند. تلاش ما این است هر چه داریم، تمام و کمال و البته به طریق آسان در اختیار قرار دهیم. این روزها خانواده هوتن، ۲۹ نسخه خطی به کتابخانه مرکزی اهدا کردند که طی چند روز اسکن شد و فهرست آن انتشار خواهد یافت و به‌زودی روی وب هم قرار خواهد گرفت. بنابراین وقتی از کار نیمه تمام صحبت می‌کنیم، معنایش همه این کارها و کارهای دیگر است که باید ایستاد و مراقب بود و دنبال کرد.

ایران یکی از طرح‌های شما که پیش‌تر هم درباره‌اش سخن گفته‌اید، ضرورت ایجاد نظام یکپارچه کتابخانه‌های دانشگاهی ایران با محوریت کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است و البته بحث تبدیل کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به کتابخانه‌ای در سطح ملی. از رهاوردهایی بگویید که اجرایی ساختن این اقدامات به دنبال خواهد داشت؟

درست است، این یکی از مسائل مورد علاقه بنده بوده و در دوره قبل، موفق شدیم بین کتابخانه دانشگاه علوم پزشکی تهران و کتابخانه مرکزی، یک پنجره مشترک ایجاد کنیم که نامش باغ دانش بود، اما متأسفانه دنبال نشد. تجربه این کار را برخی از شرکت‌های نرم‌افزاری در دانشگاه آزاد دارند و خوب هم هست. حتی سال‌هاست نهاد عمومی کتابخانه‌ها این کار را میان چهار هزار کتابخانه خود با یک نرم‌افزار مشترک انجام داده که عالی است. وقتی بنده این مسأله را دنبال کردم، روشن شد که ایران‌داک هم با کمک وزارتخانه این کار را دنبال کرده است. دو روش برای این کار بوده است: یکی نوشتن نرم‌افزار جدید و یکی ایجاد درگاه تازه. هدف ما مدل دوم بود که دوباره یک نرم‌افزار به مجموعه‌های قبلی اضافه نشود. حالا گویا روش اول دنبال شده و در نیمه راه هستند. ما به هر حال استقبال می‌کنیم و دانشگاه تهران هم اطلاعات خود را

منشأ خدمات ارزشمند و ماندگاری شده‌اند، استاد رسول جعفریان است. عشق به کتاب و کتابخوانی را می‌توان در گوشه‌گوشه شئون زندگی ایشان دید و کتاب، بخش پررنگ زندگی ایشان است و به‌طور کلی فعالیت‌های کتاب‌محور رسول جعفریان را می‌توان به پنج دسته زیر تقسیم نمود:

۱. تألیف و پژوهش

استاد جعفریان پیش از هر چیزی پژوهشگری خستگی‌ناپذیر و پرکار شناخته می‌شود. او در حوزه‌های مختلف پژوهشی که بسیار هم گسترده است، در موضوعات فراوانی آثاری را

تصحیح، ترجمه، گردآوری و نگاشته است. مجموع مقالات و کتاب‌های او بیش از هزار عنوان می‌شود که در این میان توجه ویژه ایشان به موضوع کتاب به‌مثابه یک اثر تاریخی و فرهنگی درخور توجه است. از باب نمونه ایشان مقالات و کتاب‌هایی چون «کتاب و کتابخانه در دوره صفوی»، «کتابخانه ابن‌طاووس»، «وقف‌نامه‌های کتاب صفوی» یا کتابشناسی‌هایی چون «۳۱ کتاب سیاسی اسلامی در کتابخانه حسنبه مغرب»، «کتابشناسی حجاب» و «کتابشناخت مولد النبی» را به‌رشته تحریر درآورده‌اند که این آثار حکایت از نگاه کتابشناسانه و کتاب‌دوستانه

ایشان از بعد تاریخ‌نگارانه و کتابشناسی دارد. **۲. تأسیس و مدیریت کتابخانه‌ها** جعفریان از سال ۱۳۷۳ و تا تأسیس کتابخانه تاریخ اسلام و ایران در شهر قم به‌جرگه مؤسسين کتابخانه در ایران پیوست. کتابخانه‌ای که امروز با بیش از ۲۵۰ هزار منبع یکی از بزرگ‌ترین و بهترین کتابخانه‌های تخصصی در ایران به‌شمار می‌رود. این کتابخانه با دسترس پذیر کردن اطلاعات و نسخه‌های دیجیتال کتاب‌ها امروزه یکی از پرمخاطب‌ترین کتابخانه‌های تخصصی

کانورت (واگردندن) درست اطلاعات است که ما در این زمینه تردید داریم. بماند که ممکن است احیاناً این هوش مصنوعی همه این نرم‌افزارهای قدیمی را یک شبه از رده خارج کند. همین الان هم اگر همه داده‌های کتابشناسی در سرورهای هوش مصنوعی قرار گیرد، اطلاعات بهتری از آنچه این نرم‌افزارها ارائه می‌دهند، در اختیار ما خواهد گذاشت. اشکال این است که داده‌های کتابشناسی ما همه در برنامه‌های بسته است و سرورهای عمومی به دلایل مختلف دسترسی به

داشت. ایران‌داک متأسفانه در وظایف اصلی خود یعنی گردآوری پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نیز مانده است، حالا می‌خواهد این قدم را هم بردارد به علاوه کلی طرح دیگر. امیدوارم بتواند کار درخوری انجام دهد. وقتی شما نرم‌افزاری را برای سرچ آماده می‌کنید، مهم سرچ کردن درست است، اما مهم‌تر بالا بودن و قرینه بودن حوزه منابع شماست. اینکه تقریباً همه چیز در اختیار شما باشد. اینها یک دهم پایان‌نامه‌های کشور را هم ندارند. مشکل فعلی این است، مشکل دیگر

پرونده ویژه «ایران» برای رئیس جدید کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

عکس: رضا معطران/ایران

خلفای